

www.ketab.ir

● تجربه از منظر ابن سینا
و فیلسوفان معاصر علم
● قدرت‌الله قربانی

سرشناسه: قربانی، قدرت‌الله، ۱۳۴۸.

عنوان و نام پدیدآور: تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم / قدرت‌الله قربانی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص. ISBN-978-964-375-072-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. یادداشت: کتابنامه.

موضوع: سینا، حسین بن عبدالله ۳۷۰-۴۲۸ ق — دیدگاه درباره تجربه.

موضوع: Avicenna -- Views on experience.

موضوع: فیلسوفان جدید — دیدگاه درباره تجربه.

موضوع: Philosophers, Modern -- Views on experience.

موضوع: تجربه.

موضوع: Experience.

موضوع: استدلال (منطق).

موضوع: (Inductive Logic).

رده‌بندی کنگره: ۲۹۷-۴-۳۷۳/۲۸۹.

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱.

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۹۴۳۳۲



مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

● تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم

● قدرت‌الله قربانی

● ناشر: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

● طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

● چاپ اول: ۹۷، ۳۰۰ نسخه

● قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

● شابک: 978-964-375-072-5

● چاپ و صحافی: هنگام

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: مقدماتی از ^۱ الله عا، برد حکمای اسلامی با تأکید بر ابن سینا.....	۲۷
۱. مقدمه.....	۲۹
۲. تعریف علم و ادراک.....	۳۰
۳. تفاوت علم با معرفت.....	۳۶
۴. رابطه علم با تعلیم و تعلم.....	۳۷
۵. ابزار علم و ادراک.....	۳۸
۶. مراحل و درجات علم و ادراک.....	۳۹
۷. ارکان و سازه‌های علوم.....	۴۱
۷-۱. موضوع علم.....	۴۲
۷-۲. اعراض ذاتی و غریب.....	۴۴
۷-۳. تنوع موضوعات علوم.....	۴۶
۸. مسائل علم.....	۴۹
۹. مبادی علم.....	۵۲
۹-۱. مبادی تصویری و تصدیقی.....	۵۳

۶ ■ تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم

۵۷	۹-۲. اقسام مبادی تصدیقی
۵۸	۹-۲-۱. اولیات
۵۹	۹-۲-۲. محسوسات
۶۰	۹-۲-۳. مجزئات
۶۱	۹-۲-۴. فطریات
۶۳	۹-۲-۵. حدسیات
۶۴	۹-۲-۶. متواترات
۶۵	۱۰. پرشرهای اساسی علوم
۶۶	۱۱. کاربردهای اصول و کاربرد آن‌ها در علوم
۶۸	۱۱-۱. قیاس
۶۹	۱۱-۲. برهان
۷۱	۱۱-۲-۱. برهان اثباتی
۷۳	۱۱-۳. مقایسه برهان با ادکال
۷۴	۱۲. علم یقینی و ویژگی‌های آن
۷۸	۱۳. جمع‌بندی
۸۱	فصل دوم: تجربه و استقراء در فلسفه ابن سینا
۸۳	۱. مقدمه
۸۴	۲. حس و ادراک حسی
۸۶	۲-۱. ضرورت و اهمیت حس برای کسب دانش
۹۰	۲-۲. ادراک حسی و کارکردهای آن
۹۵	۳. استقراء
۹۵	۳-۱. تعاریف و دیدگاه‌های گوناگون درباره استقراء
۱۰۱	۳-۲. ویژگی‌های استقراء
۱۰۳	۳-۳. کلیت و یقین در استقراء

۳-۴. کاربردهای استقراء	۱۰۶
۴. تجربه	۱۰۹
۴-۱. تعریف و اهمیت تجربه در زندگی انسان	۱۰۹
۴-۲. خصوصیات تجربه و کارکردهای آن	۱۱۵
۴-۳. علیت، یقین و قاعده انفاقی در تجربه	۱۱۷
۴-۳-۱. قاعده انفاقی	۱۱۸
۴-۳-۲. اخذ ذاتی در تجربه	۱۲۰
۴-۳-۳. آزمون در تجربه	۱۲۱
۴-۴. حدود و حای تجربه	۱۲۲
۵. تفاوت‌های تجربه و استقراء	۱۲۴
۶. جمع‌بندی	۱۲۸
فصل سوم: جایگاه تجربه و استقراء در فلسوفان معاصر علم	۱۳۱
۱. مقدمه	۱۳۳
۲. ملاحظات تاریخی در تجربه‌گرایی جدید	۱۳۵
۲-۱. فرانسیس بیکن	۱۳۷
۲-۲. جان لاک و جورج بارکلی	۱۳۹
۲-۳. دیوید هیوم	۱۴۳
۲-۴. ایمانوئل کانت	۱۵۰
۲-۵. آگوست کنت	۱۵۳
۲-۶. جان استوارت میل	۱۵۶
۲-۶-۱. روش‌های استقرایی استوارت میل	۱۶۰
۳. پوزیتیویسم منطقی	۱۶۲
۳-۱. اصل تحقیق‌پذیری	۱۶۷
۳-۲. برخی از مشکلات اصل تحقیق‌پذیری	۱۷۰

۱۷۲	۳-۳. اصل تأییدپذیری
۱۷۴	۴. استقراگرایی
۱۷۸	۴-۱. مشکل استقراء و برخی پاسخ‌های ممکن به آن
۱۸۲	۵. برخی رویکردها در پاسخ به مسئله استقراء
۱۸۲	۵-۱. رویکرد پیش فرض محور
۱۸۳	۵-۲. رویکرد عمل‌گرایانه
۱۸۳	۵-۳. رویکرد استقرایی
۱۸۴	۵-۴. رد احتمال‌گرایانه
۱۸۵	۵. رویکرد موازنه تأملی
۱۸۶	۶. رویکرد صیغی؟ ایانه
۱۸۷	۵-۷. رویکرد دیالوگ‌گرایانه
۱۸۷	۵-۸. رویکرد زیار عرفی
۱۸۸	۶. تکمله‌ای بر رویکردهای پیش گفته
۱۸۹	۷. ارزیابی اجمالی پوزیتیویسم
۱۹۳	۸. کارل همپل
۲۰۲	۹. رودلف کارنپ
۲۰۸	۱۰. برتراند راسل
۲۱۴	۱۱. نلسن گودمن
۲۱۹	۱۲. جمع‌بندی
۲۲۱	فصل چهارم: تجربه و استقراء از دید پوپر و کواهن
۲۲۳	۱. مقدمه
۲۲۵	۲. کارل پوپر
۲۲۶	۲-۱. علم تجربی: نسبت مشاهدات و تئوری‌ها
۲۳۱	۲-۲. ابطال‌پذیری و استقراء

۲۳۲	۲-۳. استقراء و ویژگی‌های آن
۲۳۶	۲-۴. دیدگاه پوپر دربارهٔ هیوم
۲۳۷	۲-۵. راه‌حل پوپر برای مسئلهٔ استقراء
۲۴۰	۲-۶. ماهیت استقراء و کارکرد اصل مجوز استقراء
۲۴۳	۲-۷. نسبت ارزیابی تئوری‌ها و مسئلهٔ تمیز با استقراء
۲۴۶	۲-۸. ابطال‌پذیری و کارکردهای آن
۲۴۸	۲-۹. ویژگی‌های ابطال‌پذیری
۲۵۱	۲-۱۰. پیشرفت م در دیدگاه ابطال‌پذیری
۲۵۴	۲-۱۱. ابطال‌پذیری: مطلق یا نسبی
۲۵۶	۲-۱۲. ابطال‌پذیری مسئلهٔ بین‌بنای تجربه
۲۵۹	۲-۱۳. تقویت تئوری ۱۰ سید
۲۶۰	۲-۱۴. ابطال‌پذیری و مسیر علم تئوری
۲۶۲	۲-۱۵. ارزیابی کلی نظریهٔ ابطال‌پذیری
۲۶۹	۳. ویلاردون کواین
۲۷۰	۳-۱. اوصاف کلی تجربی‌گرایی کواین
۲۷۱	۳-۲. دیدگاه کواین دربارهٔ تجربه‌گرایی معاصر
۲۷۷	۳-۳. کل‌گرایی معرفت‌شناختی
۲۷۹	۳-۴. شبکهٔ باور و نظام کل‌گرایی
۲۷۹	۳-۵. جملات مشاهدتی
۲۸۳	۳-۶. رابطهٔ فرضیات با مشاهدات
۲۸۵	۳-۷. استقراء و تمثیل
۲۸۸	۴. جمع‌بندی

فصل پنجم: ملاحظات تطبیقی و انتقادی دربارهٔ تجربه و استقراء از دید ابن‌سینا و

۲۹۱	فیلسوفان معاصر علم
-----	--------------------

۱۰ ■ تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم

۲۹۳	۱. مقدمه
۲۹۵	۲. مباحث کلی علم
۲۹۵	۲-۱. چیستی علم
۲۹۸	۲-۲. مراتب علم
۳۰۲	۲-۳. موضوع علم
۳۰۳	۲-۴. روش علم
۳۰۵	۲-۵. مبادی علم
۳۰۹	۳. سبب علل و مابعدالطبیعه
۳۱۱	۴. تأملات نظریه در ویژگی‌ها و کارکردهای تجربه
۳۱۱	۴-۱. ضرورت و اولویت تجربه و حس
۳۱۴	۴-۲. تجربه‌گاهان جدا، غیب و دیدگاه ابن سینا
۳۲۰	۴-۳. تجربه‌گرایی پوزیتیویستی و دیدگاه ابن سینا
۳۲۷	۴-۴. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های ابن سینا با پوپر و کواین
۳۳۸	۵. بررسی‌های تطبیقی درباره استقراء
۳۳۸	۵-۱. کلیات استقراء نزد ابن سینا و فلاسفه غربی و معاصر علم
۳۴۶	۵-۲. دیدگاه‌های پوپر و ابن سینا
۳۴۸	۶. دیدگاه‌های شهید صدر درباره استقراء
۳۵۲	۶-۱. نظریه توالد ذاتی
۳۵۴	۷. جمع‌بندی نهایی
۳۵۷	کتابنامه
۳۶۹	نمایه اعلام
۳۵۷	نمایه موضوعی

■ سخن ناشر ■

در پرتو پیروزی انقلاب سکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به ویژه تعالیم اسلام، به عنوان فکر و فرهنگ متمدنی و نجات بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات نسیم و حیانی و ارزش های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت های مسلمان و اسلامی روح ستم سیزی در آنان شد و از دیگر سوباعث نمایان تر شدن سست پایگی ملت ها و مکاتر بشری و نظام های مبتنی بر آنها گشت. بر این اساس، تحقیق دقیق، جامع و روش مند در خصوص زیر ساخت های فکری اندیشه و معرفت اسلامی و مقایسه آن ها با آرای متفکران غربی، از بایسته های کنونی است. اثر حاضر با عنوان تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم به منظور تبیین و تنسیق دیدگاه ابن سینا در باب تجربه و استقراء در عایسه با برخی از فیلسوفان علم جدید و معاصر غربی به رشته تحریر در آمده است. این مقایسه روانانه دیدگاه ابن سینا و برخی از حکمای اسلامی را در باب تبیین دو مقوله تجربه و استقراء در مقابل نظریات مطرح متفکران غربی نشان می دهد. همچنین این اثر تلاش دارد برخی از موضوعات فلسفه علم را از منظر حکمت اسلامی مورد بررسی و تأمل فلسفی قرار دهد که این می تواند زمینه ساز استفاده از دیدگاه های حکمای اسلامی در باب موضوعات فلسفه علم گردد.

اثر حاضر به قلم محقق ارجمند آقای دکتر قدرت الله قربانی تألیف و به زیور طبع آراسته شد. در اینجا لازم است از نویسنده محترم تقدیر شود.

مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر (فام)

■ مقدمه ■

۱. ضرورت سرچین فلسفه علم از منظر حکمت اسلامی

امروزه اهمیت فلسفه علم، عنوان شاخه‌ای از فلسفه‌های مضاف، بر کسی پوشیده نیست. این امر زمانی آشکار می‌شود که پیشرفت‌ها و نیز ناتوانی‌های علم جدید، پرسش‌های بنیادینی را برای انسان مدرن طرح می‌کند که فقط از طریق تأملات فلسفی، یعنی فلسفه علم، می‌توان دربارهٔ پاسخ آن‌ها اندیشید. علاوه بر این، با نظر به پیشرفت‌های علوم طبیعی و تجربی، زمینهای تأملات فلسفی دربارهٔ آن‌ها نیز فراهم می‌شود. این امر نشان‌دهندهٔ ضرورت و اهمیت فلسفه علم است.

در بررسی اولیه به نظر می‌رسد که فلسفه علم، بیشتر پایدار در غربی و به‌ویژه مربوط به دورهٔ جدید است و به تأملات فلسفی دربارهٔ مبانی و ماهیت فلسفی علوم تجربی و طبیعی ناظر است؛ در حالی که اگر با دقت بیشتری تأمل و پژوهش کنیم می‌بینیم که هم در آرای فیلسوفان دورهٔ یونان باستان و قرون وسطای غرب، به‌ویژه افلاطون و ارسطو، تأملات فلسفی دربارهٔ علم وجود دارد و هم در آرای فیلسوفان اسلامی و به‌نظر می‌رسد این موضوع در آرای فیلسوفان اسلامی به اندازهٔ کافی بازبان علمی جدید بازشناسی و تدوین نشده است. ممکن است تعابیری چون فلسفه علم در متون فلسفی اسلامی یافت نشود، اما این امر مانع از تأملات و نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان اسلامی دربارهٔ علم نبوده است.

مباحث گسترده‌ای که در بخش‌هایی از کتب فلسفی اسلامی چون بخش‌های منطق، بحث‌المعرفة، مباحث علم و امثال آن‌ها طرح شده است، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به مباحث فلسفه علم ناظر است؛ البته تفاوت رابطه علوم و معارف در فلسفه مدرن، که آن‌ها را در عرض یکدیگر ملاحظه می‌کند، با فلسفه اسلامی که نگاه طولی به مناسبات علوم و معارف دارد، باعث شده است فیلسوفان مدرن، علم تجربی را مستقل از فلسفه و الاهیات در نظر بگیرند و در نتیجه، برای آن نیز فلسفه علم مستقلی شکل بگیرد. در مقابل، نگاه سلسله‌وار فیلسوفان اسلامی باعث شده است آن‌ها علوم تجربی را در مراتب پایین‌تر معارف بشری در نظر بگیرند و فلسفه علم را متعلق برای آن قائل نباشند و کلیت معرفت بشری را در نظامی واحد و یکپارچه مشاهده کنند. در نتیجه، آنچه از مباحث منطق و معرفت‌شناسی اسلامی به علوم طبیعی ارتباط دارد، با عنوان فلسفه علم، از منظر فلاسفه و حکمای اسلامی بیان شده است؛ زیرا در این بخش است که تأملات فلسفی فیلسوفان اسلامی درباره علم و مسائل مربوط به آن، شناسایی و ردیابی می‌شود.

متأسفانه، گفت‌وگو نسبتاً مسلط فلسفه علم غربی و گرایش بیشتر متفکران کنونی جوامع اسلامی به ادبیات آن، مانع از تبیین فلسفه علم از منظر حکمت اسلامی شده است؛ البته در این زمینه نبایستی نقش تحولات سیاسی و اجتماعی و دینی جوامع اسلامی، یعنی نوعی عقب‌ماندگی و انحطاط فکری و فلسفی و عادی مسلمانان را نادیده گرفت. بنابراین، با نظر به اهمیت فلسفه علم برای نظریه‌پردازی فلسفی درباره مبانی علوم طبیعی و انسانی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فلسفی آن‌ها از یک سو و ویژگی خاص نظام معرفت‌شناختی اسلامی، یعنی ارتباط طولی و سلسله‌وار معارف باهم و نیز ارتباط معارف بشری با داده‌های وحیانی از سوی دیگر، این نیاز برای جامعه علمی اسلامی حاضر دوچندان می‌شود که برای تدوین فلسفه علم از منظر حکمای اسلامی تلاش شود؛ البته بحران‌های اساسی علم تجربی مدرن و

فلسفه علم مربوط به آن، اهمیت این نیاز را بیشتر می‌کند.

۲. ویژگی‌های روش‌شناختی اثر حاضر

این کتاب تلاشی است مقدماتی در باب بررسی یکی از موضوعات مهم فلسفه علم، یعنی تبار به و استقراء از منظر ابن‌سینا و برخی فیلسوفان علم معاصر. در عین حال، نشان‌دهنده ابعاد ویژگی‌های تجربه از دید حکمت اسلامی سینوی است که در تدوین فلسفه علم در پرتو حکمت اسلامی مؤثر واقع می‌شود. در این کتاب، با نظر به اهمیت موضوع مذکور و غنای فلسفی آثار و افکار حکمای اسلامی، فرض بر این است که با بیان رایی آر‌ها می‌توان برخی از اصول و ویژگی‌های مهم فلسفی درباره علم را به‌طور کلی، و تجربه و استقراء را به‌طور مشخص، از آن‌ها استخراج و آن‌ها را با زبان علمی امروز تبیین کرد.

به بیان دیگر، مباحث معرفت‌شناسی و انتحال در نظر فیلسوفان اسلامی دارای این ویژگی هستند که برخی از موضوعات فلسفی علم کنونی از طریق آن‌ها بیان می‌شود؛ یعنی با مراجعه به متون فلسفی اسلامی، دانش‌های سائل فلسفی درباره علم می‌توان رویکردهای مناسبی را یافت. از این رو، در فصل این کتاب، با این فرضیه تلاش شده است پژوهشی هرچند مقدماتی درباره بعضی مسائل فلسفه علم از منظر حکمای اسلامی صورت گیرد تا زمینه تحقیقات بعدی فراهم شود. در این زمینه، ضمن نظر به دیدگاه‌های اکثر حکمای اسلامی، بیشتر از آرای ابن‌سینا استفاده شده است؛ زیرا برخی از آثار فلسفی او، چون منطق شفاء، برهان شفاء، منطق قیاس، اشارات و تنبیهات و دانشنامه علایی، دارای مواد و مطالب زیادی درباره موضوعات مربوط به فلسفه علم هستند. برای مثال می‌توان موضوعات زیر را در نظر گرفت:

تعریف علم و ادراک و تفاوت آن با معرفت، ارکان و سازه‌های علوم شامل موضوع و مبادی و مسائل علم، انواع و اقسام مبادی تصویری و تصدیقی در علم،

تقسیم‌بندی‌های علوم به اعتبارات گوناگون، گونه‌های قیاس استدلالی در علم و کارکرد هر یک چون برهان و استقراء و تمثیل و ویژگی‌های علم یقینی.

البته این‌ها نمونه‌هایی از موضوعات طرح‌شده در متون فلسفی - منطقی حکمای اسلامی هستند که با تبیین و بازشناسی آن‌ها با استفاده از دستاوردهای جدید، می‌توان در ایجاد نوعی دیدگاه اسلامی درباره فلسفه علم همت گماشت و این ضرورتی علمی است که مراکز پژوهشی باید هر چه زودتر به انجام آن همت کنند. با پژوهش بیشتر و دقیق‌تر، مقوله‌های بسیار مهم دیگری نیز در زمینه فلسفه علم و منظر حکمای اسلامی، قابل استخراج و بحث هستند.

غلبه نگاه‌های تجربی، تقلیل‌گرایانه، ماده‌گرایانه و نیز نسبی‌گرایانه به فلسفه علم غربی، به‌طوری است که با استفاده از نگرش‌های اسلامی می‌توان آن را برطرف و با گشودن افق‌های جدید، امکان حل برخی بحران‌های کنونی پیش‌روی علم و فلسفه علم تجربی مدرن را فراهم کرد. بنابراین، مطالب فصل اول این کتاب، با عنوان فلسفه علم نزد حکمای اسلامی، تأکید بر دیدگاه ابن سینا، گامی مقدماتی است که می‌توان آن را در آثار و تحقیقات بعدی به‌طور عمیق‌تر دنبال کرد. همان‌طور که گفته شد، در این فصل نیز تمرکز بر آرای ابن سینا است. هرچند به دیدگاه‌های دیگر نیز اشاره شده است.

شایان ذکر است که در همین کتاب هم می‌توان به برخی ویژگی‌های مهم مباحث فلسفه علم از منظر حکمای اسلامی پی برد؛ برای مثال، اهمیت محوری موضوع علم در نگاه حکمای اسلامی، ممکن است در تعیین هویت آن علم نقش اساسی داشته باشد؛ درحالی‌که در مقابل، در فلسفه علم غربی، روش علم است که دارای نقش محوری است. در نتیجه، محوریت موضوع، چه توانمندی‌هایی در تفکیک علوم از همدیگر و نیز تعیین حوزه‌های تحقیق آن‌ها دارد که از عهده تقسیم‌بندی براساس روش، ساخته نیست.

به نظر می‌رسد تأکید بر موضوع علم، نگرش سلسله‌مراتب تشکیکی به موضوعات علوم را موجب می‌شود که اولین نتیجه آن، تنوع گوناگون علوم براساس روابط طولی بین آن‌هاست که وحدت آن‌ها نیز حفظ می‌شود. در نتیجه، ما در حکمت اسلامی با تعابیری چون علم حضوری و حصولی، علم کلی و جزئی، علم نظر، و عملی، علم الاهی و فلسفی و طبیعی مواجه هستیم که این تعابیر و اطلاقات آن‌ها علوم مختلف، ممکن است در فهم درست‌تر ماهیت آن‌ها مؤثر واقع شود. علاوه بر این، شیونگری حکمای اسلامی در تبیین ماهیت و کارکرد مبادی علم و نیز تقسیم‌بندی آن‌ها نیز در مقایسه با فلسفه علم غربی دارای اهمیت و نقش خاص خود خواهد بود. در این زمینه، نقش مبادی بدیهی و نظری و مبادی تصویری و تصدیقی، به‌ویژه مبادی تصدیقی، اهمیت خاص خود را دارد؛ برای مثال می‌توان بدیهیات اولیه مثل محسوسات، تجربیات، فطریات، حدسیات و متواترات را در نظر داشت. این نشان می‌دهد که برخلاف دیدگاه تجربه‌گرای غربی که فقط به تجربه و مشاهده برای آغاز دانش انسانی تأکید می‌کند حکمت اسلامی علاوه بر تجربه، که در اینجا با عنوان «تجربیات» ذکر شده، روش‌ها و مبادی دیگری قائل شده و آن‌ها را از اولیات دانسته است که نمونه بارز آن، قیاس اجتهاد نقیضین است. به این دلیل، در این کتاب، ابعاد گوناگون تجربه و استقراء از دید ابن سینا بررسی شده و به مقایسه آن با دیدگاه‌های فیلسوفان علم معاصر غرب پرداخته شده است. هدف این کتاب در درجه اول، آشکارکردن ویژگی‌های دیدگاه ابن سینا در باره تجربه (معرفت تجربی) و استقراء و نقش آن‌ها در فلسفه علم است؛ چراکه ابن سینا یکی از فیلسوفانی است که درباره چستی و کارکرد و نقش تجربه و استقراء در فرایند تولید معرفت و علوم، تبیینی نسبتاً دقیق و مناسب دارد و شایسته است این دیدگاه بررسی شود تا زوایای پنهان آن آشکار گردد. در درجه دوم، مقایسه دیدگاه ابن سینا با نظرات فیلسوفان تجربی علم در دوره معاصر است؛ زیرا این فیلسوفان که از تجربه‌گرایی

غرب از قرن ۱۷ و ۱۸ و پس از آن متأثر هستند، در شناخت علمی، بر نقش و محوریت تجربه تأکید و حتی در این امر افراط می‌کنند و آن را در قالب دیدگاه‌های استقرارگرای، اثبات‌پذیری، تحقیق‌پذیری، ابطال‌گرایی و... بیان می‌کنند. با این مقایسه می‌توان براساس مبانی ابن سینایی، چنین دیدگاه‌هایی را نقد کرد.

نگرش تجربه‌گرایی، به‌ویژه با پیشرفت روزافزون علوم تجربی و حتی علم‌زدگی برخی فیلسوفان، باعث افراط در توجه به اعتبار و حدود توانایی معرفت تجربی گردیده است. تا آنجا که برخی فیلسوفان علم معاصر، تجربه را تنها ملاک و معیار معرفت یقینی و نظر می‌گیرند. از این رو، به نظر می‌رسد پژوهش در این امر از دیدگاه ابن سینا، باتوجه به ویژگی‌های برجسته آن، ضمن جلوگیری از تلقی‌های غلط درباره توانایی و حدود معرفت تجربی، افق‌های جدیدی را درباره آن می‌گشاید.

در این کتاب، ویژگی‌های معرفت تجربی، مثل چیستی و نقش آن در کسب دانش، تفاوت آن با استقراء، نقش آن در معرفت یقینی، حدود و قلمرو معرفت تجربی، مطابقت در شناخت تجربی و موضوعات دیگر بررسی می‌شوند. سپس، به ابعاد استقراء، کارکردها و حدود آن و مناسبات آن با قیاس و برهان پرداخته می‌شود. در ادامه، ضمن تبیین دیدگاه‌های مهم تجربه‌گرایی غرب، مثل لاک و بارکلی و هیوم، به‌عنوان تمهیدی تاریخی، به نظرات طرفداران پوزیتیویسم، استقرارگرایان، ابطال‌گرایان و فیلسوفان علم معاصر چون پوپر، کواین، کارنپ و... در این باره پرداخته می‌شود و در پایان، دیدگاه‌های ابن سینا با آن‌ها مقایسه و نقد می‌شود.

برخی پرسش‌هایی که باید به آن‌ها پاسخ داد، بدین قرار است: ماهیت تجربه و استقراء در نظر ابن سینا چیست؟ نقش قوای حسی و تجربی در تولید علم و معرفت چگونه است؟ تفاوت تجربه با استقراء در چیست؟ رابطه شناخت تجربی و شناخت عقلانی چگونه است؟ محدودیت‌های معرفت تجربی کدام‌اند؟ اشکالات اساسی گرایش تجربه‌گرایی غربی، به‌ویژه در فلسفه معاصر در چیست؟ چگونه

می‌توان با استفاده از دیدگاه‌های ابن‌سینا، نظریات فیلسوفان علم تجربه‌گرای معاصر را نقد و اصلاح کرد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان این فرضیه را در نظر داشت که ابن‌سینا دیدگاهی نسبتاً دقیق و واقع‌گرایانه درباره ماهیت و حدود و کارکردهای معرفت تجربی دارد که ممکن است در ارائه تبیینی مقبول از این معرفت در وضع کنونی، با حصول در نقد و اصلاح نظریه‌های فیلسوفان معاصر غرب درباره معرفت تجربی، کارساز واقع شود. در فرضیه گفته‌شده، توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل نهفته در دیدگاه ابن‌سینا است که تصویر صحیح‌تری از ماهیت معرفت تجربی به‌دست می‌دهد و برخی از اتهامات تجربه‌گرایی معاصر را برطرف می‌کند؛ درحالی‌که فرضیه‌های رقیب، بر توانایی دیدگاه ابن‌سینا در تبیین تجربه، با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در قرون متمادی در این باره، تأکید می‌کنند. برخی از مفاهیم مهم مدنظر عبارت‌اند از:

معرفت تجربی: شناخت حاصل از مواجهه قوای حسی با جهان بیرونی.

استقراء: تکرار امور تجربه‌شده و اخذ اصول و قوانین نسبتاً ثابت از آن.

یقین: معرفتی که در آن امکان هیچ‌گونه شک و تردید نداشته باشد.

کلیت: شناختی که جامع همه موارد خود باشد و هیچ استثنایی نداشته باشد.

در فصل‌های بعدی، براساس طرح اولیه تلاش می‌کنیم که دیدگاه ابن‌سینا را به‌زیاد تجربه و استقراء در فلسفه علم، ابعاد گوناگون آن را از دید ابن‌سینا و برخی فیلسوفان معاصر و پوزیتیویست‌هایی چون همپل، کارنپ، گودمن، راسل، کواین و پوپر بررسی تطبیقی کنیم؛ البته بحثی تاریخی درباره تجربه‌گرایی مدرن نیز خواهیم داشت که در آن آرای متفکران تجربه‌گرای جدید چون هیوم، لاک، بارکلی، کانت، آگوست کنت و استوارت میل را بررسی می‌کنیم. ناگفته پیداست که تجربه و استقراء، در علم و فلسفه علم غربی، نقش محوری دارد. این اهمیت ناآنجاست که

بیشتر متفکران، علم غربی را براساس روش تجربی آن تعریف می‌کنند و فیلسوفان علم، به‌ویژه پوزیتیویست‌ها و استقرارگرایان بر نقش محوری تجربه و استقراء در دیدگاه‌های خود تأکید بسیار می‌کنند. به بیان دیگر، تجربه و استقراء بیان‌گر ماهیت اصلی علم و حتی فلسفه علم غربی است، تا آنجا که از علم مدرن غربی به علم تجربی نیز تعبیر می‌شود و مکاتب گوناگونی در اثبات حجیت یقین و استدلال تجربی ایجاد شده است. در عین حال، پرسش از یقین‌آوری و حجیت استقراء و تجربه نیز در طول تاریخ تفکر فلسفی، از مهم‌ترین پرسش‌های پیش‌روی فیلسوفان علم مابعدا طبیعه است و آن‌ها تلاش کرده‌اند مبنایی یقینی برای آن دست‌وپا کنند. در این مسیر، تلاش فیلسوفان پوزیتیویست و تنوع دیدگاه‌ها، گویای اهمیت موضوع تجربه و استقراء است. از سوی دیگر، بخش مهمی از بحران‌های علم و فلسفه علم غربی نیز از نگرش‌های ارسطویی به توانمندی تجربه و استقراء برمی‌خیزد؛ یعنی تلاش متفکران پوزیتیویست پس از آن برای فهم و تفسیر همه پدیده‌های هستی از طریق روش تجربی و تمایل آن به سطح پدیدارهای مادی و نیز اعتماد زیاد به معرفت تجربی، چنین بحران‌هایی را موجب شده است. در نتیجه، تحقیق درباره ماهیت تجربه و استقراء از منظر تفکر فلسفی اسلامی، که در اینجا تمرکز بر دیدگاه‌های ابن سیناست، نه تنها ابعاد و کارکردهای آن را از این منظر به خوبی آشکار می‌کند و جایگاه تجربه را در علوم طبیعی مشخص می‌سازد، بلکه حدود و قلمروهای آن را نیز آشکار می‌کند. در نتیجه، با این کار، هم به این نتیجه بخشی تجربه و استقراء و هم مرزهایی که آن‌ها در آن ناکارآمد هستند، مشخص می‌شود؛ یعنی با نظریه خصوصیات تجربه و استقراء، می‌توان از اعتماد مطلق به آن‌ها اجتناب کرد؛ زیرا حدود کارکرد آن‌ها مشخص شده است. این کاری است که تلاش کرده‌ایم در این کتاب انجام دهیم. لذا، با استفاده از آثار ابن سینا و نیز خواجه نصیرالدین طوسی، بعضی از ویژگی‌های تجربه و استقراء، با عناوین زیر بررسی می‌شود:

ماهیت و ضرورت و اهمیت حس برای کسب دانش، ادراک حسی و ویژگی‌های آن، ویژگی‌های یقین و کاربردهای استقراء، خصوصیات تجربه و کارکردهای آن، علیت و یقین و قاعده اتفاقی، اخذ ذاتی، محدودیت‌های تجربه و تفاوت‌های تجربه و استقراء.

وجه به محتوای مطالب گفته‌شده نشان می‌دهد که ابن‌سینا از فیلسوفانی است که با اشتغال به ابعاد علمی و فلسفی تجربه و استقراء، نگرش نسبتاً واقع‌بینانه‌ای به آن‌ها دارد که طبعاً به مشکل استقراء نیز منجر نمی‌شود؛ زیرا او در تجربه به نوعی کلیت و علّت و زمین قائل است، اما کلیت تجربی مدنظر و نیز یقین حاصل از آن را مشروط و مقید به نظر می‌گیرد و عمومیت مطلق به آن نمی‌دهد. در نتیجه، برای ابن‌سینا و همفکران او، درد تجربه فقط تا زمان و مکانی اعتبار دارد که شروط تجربه در آن رعایت شده باشد، در حالی که برای استقراء، ویژگی علیت و اخذ ذاتی و یقین در سطح تجربی مدنظر نمی‌گردد و آن را بیشتر به کاربرد عمومی زندگی انسانی مربوط می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد این رویکرد، تصویری نسبتاً منطقی از توانمندی‌ها و نیز محدودیت‌های تجربه و استقراء ارائه می‌کند تا ما از افراط و تفریط درباره آن خودداری کنیم. این کاری است که در فصل دوم این کتاب عهده‌دار اجرای آن شده‌ایم.

در فصل سوم این اثر، جایگاه تجربه را در دیدگاه فیلسوفان معاصر و بررسی می‌کنیم و برخی از ویژگی‌های کلی آن در قالب استقراگرایی و پوزیتیویسم را مابعد آن را مدنظر داریم. برای این منظور، سیر تاریخی تجربه‌گرایی، از بیکن تا عصر حاضر، با تأکید بر دیدگاه‌های مهم، به‌طور مختصر و مقدماتی بیان شده است تا ارتباط محوریت تجربه نزد فیلسوفان معاصر علم و تجربه‌گرایی جدید غرب، مشخص شود؛ از جمله اینکه ماهیت تجربه و استقراء از دید بیکن، لاک، بارکلی، هیوم، کانت، استوارت میل و آگوست کنت بیان شده است. در این قسمت، نحوه

نگاه متفکران مزبور به ماهیت و کارایی تجربه و استقراء و نیز چگونگی مشکل استقراء و راهکار احتمالی خروج از آن بررسی می‌شود. سپس، جایگاه تجربه در دو مرحله بررسی می‌شود: ابتدا، ویژگی‌های استقراگرایی و پوزیتیویسم، به عنوان وجوه بارز نگرش‌های تجربی در قرن حاضر تبیین می‌شود تا به عمق این جریان فلسفی نفوذ شود و نشان داده شود که غلبه نگرش‌های فلسفی مزبور بر فیلسوفان تجربی معاصر، در نگاه آن‌ها به پدیده‌های جهان و سپس تفسیر آن‌ها، چه پیامدهایی داشته است. ماهیت این پیامدها، در اشکال استقراگرایی سطحی و تحقیق‌پذیری شدید نمایان می‌شود. رپرا در آن، اعتبار شناخت انسانی فقط از طریق شناخت تجربی و استقراء تجربی می‌گیرد. لذا، ارزش معارف غیرتجربی محل تردید و انکار قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، نیکد بیش از حد متفکران تجربه‌گرای غربی، آن‌ها را به نادیده گرفتن اعتبار و ارزش معارف غیرتجربی، چون متافیزیک و دین و اخلاق و گاهی تنزل جایگاه منطق و ریاضیات زدن می‌شود و در نزد برخی از آن‌ها تنها اعتبار و کارکرد فلسفه، در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که از سوی علوم طبیعی طرح می‌شود و خود پاسخی برای آن ندارد. با این حال، دیدگاه‌های فیلسوفانی چون برتراند راسل، رودلف کارنپ، کارل همپل و گونر برناردی شده است.

در فصل چهارم کتاب، دیدگاه‌های پوپر و کواهن به عنوان دو فیلسوف علم معاصر مابعد پوزیتیویسم که به تجربه توجهی متفاوت با قبل دارند، تبیین می‌شود. این امر از آن جهت است که پوپر، هم به عنوان فیلسوف علم معاصر غربی سخنان درخوری درباره مباحث تجربه و استقراء دارد و هم در پاسخ به معضل استقراء تلاش می‌کند راه حل خاص خود را بیان کند. به بیان دیگر، او از محدود متفکران غربی است که در تماس فکری مستقیم با پوزیتیویست‌هاست و با نگاه دیگری نقدهای مهمی بر آن‌ها وارد می‌کند. لذا، با نظریه ابطال‌پذیری خود تلاش می‌کند افق‌های جدیدی را پیش روی معرفت تجربی بگشاید که در آن برخلاف دیدگاه

پوزیتیویستی، متافیزیک و دین دارای اعتبار و کارکرد خاصی است و حتی در تکوین نظریات علمی نقش خاص خود را دارد.

تأکید پوپر بر تقدّم نظریات بر مشاهدات و امکان نشئت‌گیری آن‌ها از منابع گوناگون، چهارچوب‌های اصلی دیدگاه پوزیتیویستی را درهم می‌ریزد و فضای جدیدی را برای نظریه‌سازی علمی فراهم می‌کند و مناسبات منطقی را بین علم و متافیزیک برقرار می‌سازد. او همچنین با نظریه ابطال‌پذیری خود و با تأکید بر ضرورت ابطال‌ها مکرر برای تبدیل شدن هر نظریه به نظریه مسلط علمی، معیاری قوی‌تر از معیارهای حقیق‌پذیری و تأییدپذیری پوزیتیویست‌ها عرضه می‌کند و درواقع، تعریف جدیدی از تجربه، ارائه می‌کند که می‌توان آن را تجربه‌گرایی پس از پوزیتیویسم نامید. ابطال‌پذیری، همان‌گونه که از نام آن نیز مشخص می‌شود، نظریه‌ای است که بر امکان ابطال مکرر نظریه‌ها و تئوری‌های علمی برای معیار علمی بودن آن‌ها تأکید می‌کند. به بیان دیگر، ابطال‌پذیری، معیار علمی بودن گزاره‌ها را در نقادی و آزمون‌های مکرر آن‌ها از رهگذر ابطال می‌داند. ازاین‌رو، پوپر، در منطق اکتشاف علمی بیان می‌کند که ابطال، آخرین محکمی است که ما برای سنجش تجربی بودن گزاره‌ها به کار می‌بریم.

پوپر برای حل معضل استقراء، با نقد دیدگاه‌های متفکران قبل، - زنده و مرده - تلاش می‌کند با طرح اصل انتقال مسئله منطقی، استقراء را با جنبه روان‌شناسی آن پیوند زند. با این کار، او طبق اصل انتقال خود می‌گوید که هر آنچه در منطق درست باشد، از نظر روان‌شناسی نیز درست است. به تعبیر دیگر، آنچه در منطق درست است، در روش علمی و در تاریخ علم هم درست است؛ یعنی ممکن است ملاحظات منطقی به ملاحظات روان‌شناختی انتقال پیدا کند؛ و این برای پوپر حدسی رهگشا می‌شود تا از منظر خود مشکل استقراء را حل کند. او درعین حال، تلاش می‌کند نشان دهد برخلاف دیدگاه پوزیتیویست‌ها، اصل مجوز استقراء، اعتبار ندارد، بلکه باتوجه به

مسئله تمیز و تأکید بر آزمون‌های مکرر و قیاسی نظریات، می‌توان علمی بودن یا نبودن آن‌ها را نشان داد. اهمیت مسئله تمیز، نشان دادن کارکرد متمایز علم و متافیزیک و نشان دادن آن‌ها در کنار هم است تا هر دو دارای اعتبار خاص خود باشند.

طرح دیدگاه کواین نیز، هم به دلیل نقدهای او درباره تمایز احکام تحلیلی و ترکیبی و تحویل‌گرایی و هم ارائه تفسیر جدیدی از تجربه‌گرایی با نظریه کل‌گرایی و طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی، مهم است. در واقع، کواین با رد تمایز احکام تحلیلی و ترکیبی، یکی از مبانی مهم فلسفی پوزیتیویسم را از اعتبار ساقط می‌کند و در بابل، طرح کل‌گرایی و شبکه‌باور خود، نشان می‌دهد که اجزای معرفت آدمی، همگی در عرصه‌ای زنجیر به هم پیوسته‌اند که فقط در حاشیه با تجربه ارتباط دارند و چون بسره هم، آن‌ها تجربه خارجی است، همگی تحت تأثیر تغییرات و نوسانات تجربی هستند. درست‌تر آنکه، معرفتی ورای دانش تجربی و حقیقتی ورای هستی‌های طبیعی و مادی وجود ندارد. کواین این امر را از طریق طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی و وجودشناختی ربا‌گرایی فیزیکالیسم از نوع اتونویراث، بیان می‌کند. به بیان دیگر، کواین، برخی از حاشیه‌های اساسی تجربه‌گرایی معاصر را از بنیان نفی می‌کند، اما به دلیل امید صرف به انس تجربی، آن را در صدر معارف بشری می‌نشاند و حقانیت معارف غیرتجربی را رد می‌کند. نتیجه، به طریق دیگری به تحکیم تجربه‌گرایی معاصر خدمت می‌کند.

فصل پایانی این کتاب، به مقایسه تطبیقی و انتقادی موضوعات مطرح شده در فصول گذشته میان ابن سینا از یک طرف و فیلسوفان مدنظر معاصر علم از سوی دیگر اختصاص دارد؛ البته به تطبیق دیدگاه ابن سینا با فیلسوفان تجربه‌گرای مدرن نیز توجه می‌شود. هدف از این فصل، مطالعه تطبیقی و انتقادی دیدگاه‌های مزبور است تا میزان قوت و ضعف و نیز ابعاد ناشناخته آن‌ها روشن شود و درباره میزان اشتراک و افتراق آن‌ها نیز قضاوت گردد. در این فصل، دیدگاه ابن سینا و فیلسوفان

مدرن و معاصر، با تمرکز بر دیدگاه‌های ابن‌سینا، هم درباره برخی مسائل فلسفه علم و هم درباره ابعاد مختلف تجربه و استقراء، بررسی شده است. در زمینه فلسفه علم، درباره موضوعاتی چون چیستی علم، مراتب، موضوع، مبادی و روش آن و نسبت علم و مابعدالطبیعه بحث شده است. درباره تجربه و استقراء، موضوعاتی چون ضرورت، کارکرد و ویژگی‌های تجربه و استقراء بررسی شده و درنهایت، دیدگاه شهناز صدیق به عنوان خاتمه بحث، بیان گردیده است.

در مجموع، انتظار می‌رود اثر حاضر، به رغم کاستی‌های احتمالی آن، که با پیشنهادها و شفاف‌سازی محققان و خوانندگان گرامی کاهش خواهد یافت، در معرفی برخی از ابعاد فلسفه علم از منظر حکمت اسلامی و تبیین و تطبیق بهتر دیدگاه‌های ابن‌سینا و فیلسوفان معاصر علم، درباره تجربه و استقراء گامی کوچک برداشته است که یقیناً، با همدلی‌های خوانندگان فرهیخته، در آینده برخی از اشکالات آن برطرف خواهد شد.

قدرت‌الله قربانی

عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی

مستان ۱۳۹۶